



سرمقاله

روی دیگر المپیاد

داود خجسته سالکویه *

که آن‌ها را به سایر شهرها بفرستند. بنابراین این دانش‌آموزان بدون حمایت و راهنمایی افراد مجرب و تنها بر اساس علاقه‌ای که دارند در المپیاد شرکت می‌کنند، و گاه صدمات زیادی می‌بینند. تعداد دانش‌آموزان این گروه بسیار زیادند و واقعاً جای نگرانی دارد که این سرمایه‌ها با مدیریت نادرست و عدم حمایت آموزش و پرورش از دست می‌روند. بدون شک هدف اصلی از برگزاری المپیاد این نیست که یک تیم ملی المپیاد انتخاب شود و به مسابقات بین‌المللی اعزام شود، بلکه هدف ایجاد یک انگیزه جمعی بین کل دانش‌آموزان است.

گاهی حمایت‌ها به صورت نادرست انجام می‌شود. برای نمونه، من خود شاهد بودم که در یکی از مدارس سمپاد برای دانش‌آموزانی که در مرحله اول المپیاد قبول شده بودند، یک اتاق مطالعه جداگانه در نظر گرفته بودند و این دانش‌آموزان را مخیر به شرکت در سایر کلاس‌ها کرده و اغلب این دانش‌آموزان در سایر کلاس‌ها شرکت نمی‌کردند. بعد از عدم موفقیت در المپیاد، حجم زیادی از دروس نخوانده شده داشتند که در زمان مقرر نتوانستند بر آن‌ها مسلط شوند. این گونه برنامه‌ریزی‌ها باعث می‌شود که دانش‌آموزان سرخورده شده و صدمات روحی و روانی زیادی ببینند و به‌علاوه، زمان زیادی طول می‌کشد تا خود را بیابند، البته اگر موفق بشوند!

اما چه می‌شود کرد؟ پیشنهاد می‌شود که آموزش و پرورش هر شهر کمیته‌ای از افراد مجرب برای حمایت و هدایت اصولی دانش‌آموزانی که در المپیادهای مختلف شرکت می‌کنند تشکیل داده و به‌طور پیوسته و هفته‌به‌هفته به آن‌ها مشاوره دهند. نقش خانواده‌ها در این مقوله بسیار مهم است. اگر واقعاً خانواده‌ها تجربه و اطلاعات لازم در زمینه المپیاد ندارند، بهتر است هدایت فرزند خود را در این مورد به افراد با تجربه بسپارند. همچنین، اگر خانواده‌ها در فرزند خود علاقه به شرکت در المپیاد را نمی‌بینند، از اصرار به شرکت در المپیاد جداً خودداری کنند، چرا که بدون شک باعث سرخوردگی و نتیجه معکوس خواهد شد.

در پایان، توجه خوانندگان گرامی را به گزارش نشست هم‌اندیشی «یزد، المپیاد، فرصت‌ها و چالش‌ها» جلب می‌کنم، که در آن نکات ارزشمندی در خصوص المپیاد مطرح شده است. این گزارش در همین شماره منتشر شده است.

* سردبیر

هرساله شاهد گزارش افتخارآفرینی و کسب مدال‌های ارزشمند دانش‌آموزان کشورمان در المپیادهای مختلف، از جمله المپیاد ریاضی، در رسانه‌ها هستیم که حاصل تلاش‌های مجدانه آن‌ها، خانواده‌ها و گروه‌های مختلفی مثل باشگاه دانش‌پژوهان جوان است. این اخبار برای دانش‌آموزان نه تنها بسیار مسرت‌بخش و مهیج است، بلکه الهام‌بخش نیز هست. بنابراین بسیاری از آن‌ها تصمیم می‌گیرند که پای در مسیر المپیاد بگذارند و شانس‌شان را امتحان کنند.

شرکت‌کنندگان در المپیاد را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد. دسته اول، دانش‌آموزانی هستند که جزو فهرست نهایی تیم المپیاد قرار می‌گیرند. این دانش‌آموزان بدون شک افرادی توانا و برجسته هستند، و خواه یا ناخواه در مسیر موفقیت قرار می‌گیرند. این گونه دانش‌آموزان در بهترین رشته و در بهترین دانشگاه‌های داخل یا خارج تحصیل خواهند کرد. از این دست دانش‌آموزان می‌توان زنده‌یاد مریم میرزاخانی را نام برد. دسته دوم دانش‌آموزانی هستند که در فهرست نهایی قرار نمی‌گیرند، اما با برنامه‌ریزی درست پای در مسیر المپیاد قرار می‌دهند و انگیزه خود را از دست نمی‌دهند و عدم موفقیت در المپیاد نمی‌تواند سد راه‌شان شود. این گونه دانش‌آموزان که از مسیرهای دیگری، مثل شرکت در کنکور به دانشگاه راه می‌یابند، سعی می‌کنند بهترین انتخاب چه از لحاظ رشته و چه از لحاظ دانشگاه محل تحصیل را داشته باشند. دسته سوم دانش‌آموزانی هستند که در فهرست نهایی المپیاد قرار نمی‌گیرند و به دانشگاه نیز راه پیدا نمی‌کنند، اما آدم‌هایی توانا و با استعداد هستند و تنها با برنامه‌ریزی نادرست در المپیاد شرکت کردند. دسته چهارم دانش‌آموزانی هستند که تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ها، تقاضای خانواده یا حتی اولیای مدرسه، با اینکه توانایی، استعداد، یا پیش‌زمینه لازم را ندارند در مسیر المپیاد قرار می‌گیرند، و نتیجه آن نیز معلوم است.

در اینجا روی سخن ما در خصوص دانش‌آموزان دسته سوم است. با توجه به اینکه حمایت از استعدادها در سراسر کشور به صورت متناسب توزیع نشده و در بسیاری از شهرها حتی حمایتی وجود ندارد، تعداد بسیار زیادی از دانش‌آموزان به‌طور خودجوش در آزمون‌ها شرکت می‌کنند. متأسفانه اگر هم اندک حمایتی وجود دارد، اغلب برای دانش‌آموزان مدارس سمپاد است و باید توجه داشت که بسیاری از شهرها فاقد مدارس سمپاد هستند و به علت دوری راه، بسیاری از خانواده‌ها با اینکه فرزندان‌شان استعداد لازم را دارند، راضی نمی‌شوند